ادامه از صفحه ۶

برگن نیز درباره تاثیر اخوان‌المسلمین بر بن لادن می‌گوید: «اخوان‌المسلمین در مصر پا به عرصه نهاد و بن لادن به انحای گوناگون تحت تاثیر دیدگاه‌های مصری، سازمان‌های سیاسی مصر و مردم مصر قرار گرفت و آنها سعی کردند به تدریج او را به یک جهت رادیکال‌تر و نظامی‌تر سوق دهند.» اخوان‌المسلمین به نوبه خود از سید قطب الهام می‌گرفت. او در سال ۱۹۶۶ اعدام شد که به باور بسیاری به اتهام تلاش برای سرنگون کردن حکومت مصر صورت گرفت. کتاب او به نام معالم فی الطریق (علائم راه) کتابی است که همه طرفداران جهاد باید آن را بخوانند. این کتاب اعتقاد دیرین مسلمانان را که جهاد باید تنها در پاسخ به حمله دشمن صورت گیرد به چالش می‌کشد و جهاد ابتدایی را توجیه و تجویز می‌کند که در آن توصیه به پیش‌دستی در حمله به دشمنان می‌شود. برگن می‌گوید: «همه اینها در تحول بن لادن موثر بوده است. بیداری اسلامی، پیوستن به اخوان‌المسلمین و خواندن آثار سید قطب همگی در تحول بن لادن موثر بودند به طوری که او به تدریج به این نتیجه رسید که باید کشورهای اسلامی خالص‌تر و کامل‌تری را در جهان ایجاد کنیم.» سال ۱۹۷۹ یک سال بسیار مهم برای جنبش بیداری اسلامی بود. آیت‌الله خمینی شاه ایران را سرنگون کرد، آمریکایی‌ها در سفارت این کشور گروگان گرفته شدند و رزمجویان مسلمان در سراسر جهان به هیجان درآمدند. در همان سال حرم شریف (کعبه) در مکه که مقدس‌ترین مکان مسلمانان است صحنه درگیری شد و این زمانی روی داد که مبارزان مسلمان آن را تصرف کردند و دولت عربستان سربازان خود را وارد حرم کرد. اسامه بن لادن از شکسته شدن حرمت این مکان مقدس وحشت‌زده شد و سپس یک ماه بعد ضربه نهایی وارد آمد. کشور بی‌خدا و کمونیست اتحاد شوروی افغانستان را که یک کشور مسلمان بود و از جبهه‌های مقدم اسلام به شمار می‌رفت، مورد حمله و تجاوز قرار داد. سه حادثه مهم ظرف یک سال زندگی بن لادن را برای همیشه تغییر داد. او که زمانی یک پسربچه کم‌رو و مذهبی بود در آستانه لبیک گفتن به دعوت جهاد خونین قرار گرفت، پاسخی که هرگز در آن تردید نکرد و پشیمان نشد.

■ مبارز جهاد مقدس (۱۹۸۸-۱۹۷۹)

در سال ۱۹۷۹ سربازان اتحاد شوروی افغانستان را مورد تجاوز قرار دادند. زنگ جهاد علیه کافران در سراسر جهان اسلامی به صدا درآمد. این دعوت از سوی افرادی چون عبدالله عزام روحانی فلسطینی صورت گرفت. او که یک روحانی فرهمند (کاریزماتیک) و با شخصیتی عمیقاً معنوی بود، مهمترین کسی بود که در بخش عزام دهه ۱۹۸۰ در تربیت و شکل گیری شخصیت بن لادن اثر گذاشت. حذیفه عزام فرزند عبدالله عزام است که بیش از هشت سال مداوم با بن لادن زندگی کرده است. او در نخستین گفت‌وگویش با یک تلویزیون غربی می‌گوید: «پدرم معلم آموزش‌های اسلامی و عربی بود و در آن زمان اسامه بن لادن در رشته مهندسی تحصیل می‌کرد.» بن لادن شیفته این روحانی بانفوذ شد که در آن زمان در افغانستان به سر می‌برد. او که نیروی ایدئولوژیکی دعوت به جهاد را تامین می‌کرد از اسامه جوان و تاثیرپذیر خواست تا از او پیروی کند. این ماجرا را حذیفه چنین تعریف می‌کند: «در پایان سال ۱۹۸۴ پدرم به اسامه گفت که من عازم پاکستان و افغانستان هستم و تو نیز باید با من بیایی.» ولی بن لادن هنوز در پیروی از او مردد بود. در آن زمان بن لادن هنوز به خانواده‌اش بسیار وفادار بود و پیوندهای نزدیکی با خاندان حاکم آل سعود داشت ولی پادشاه عربستان داوطلبان را تشویق کرد که برای جنگ به افغانستان بروند. بن لادن نیز این دعوت را اجابت کرد و از عربستان راهی پاکستان شد. عبدالله انس در سال ۱۹۸۴ در خانه عبدالله عزام در اسلام‌آباد با اسامه آشنا شد. او یکی از شمار بسیار مسلمانانی بود که توسط عبدالله عزام برای جهاد در افغانستان یارگیری شد. او عبدالله عزام را چنین توصیف می‌کند: «شیخ عبدالله پدر معنوی ما بود، پدر همه ما. نمی‌توانید تصور کنید که او تا چه حد بن لادن را دوست داشت.» پیتر برگن نیز چنین می‌گوید: «در آن زمان بن لادن همچنان کم‌رو و کم‌حرف بود و شخصیتش کاملاً تحت‌الشعاع شخصیت عبدالله عزام قرار داشت.» برای آشنایی بیشتر با بن لادن و معلم و مرشدش عبدالله عزام به شهر پیشاور در پاکستان و نزدیکی مرز با افغانستان می‌رویم. پیشاور شهر شلوغ و پرجنب و جوشی است و دروازه گشوده‌ای است برای قاچاقچیان، جاسوسان، مبلغان و مجاهدینی که در آن زمان برای جنگ با سربازان شوروی به افغانستان می‌آمدند. انس می‌گوید: «در این شهر شما به راحتی می‌توانید سلاح پیدا کنید. می‌توانید کلاشنیکف بخرید. می‌توانید بفروشید. یک شهر کاملاً باز و آزاد.» در این مکان بود که اسامه بن لادن و عبدالله عزام پایه سازمانی را بنا نهادند که آن را دفتر خدمات می‌نامیدند. نقش این سازمان کمک به جنگجویان مسلمان بود که از کشورهای دیگر عازم افغانستان بودند و نیز کمک به پناهندگان افغان که به خاطر حملات شوروی آواره می‌شدند. مدیریت دفتر خدمات با عزام بود. اسامه بن لادن نیز تامین مالی را بر عهده داشت و ثروت خود و مبالغی را که از سایر شهروندان ثروتمند سعودی جمع‌آوری می‌کرد در اختیار این سازمان قرار می‌داد. آنها یکی از خانه‌هایی را که در اختیار داشتند برای پذیرش و تجهیز مهمانان از راه رسیده به کار می‌بردند. افراد جذب شده قبل از ورود به افغانستان نخست به این خانه می‌آمدند و در آنجا سلاح و لباس و نیز آموزش نظامی و ایدئولوژیکی دریافت می‌کردند. بن لادن خودش در یکی از این کمپ‌ها آموزش دید. اما مدت زمانی که بن لادن زیر سایه آموزگارش عبدالله عزام بود خیلی به طول نینجامید. تماشای جنگ دیگر برای او رضایت‌بخش نبود بنابراین تصمیم گرفت به جنگ بپیوندد. ساعات و روزهای بی‌شماری که او در شرایط سخت و بدون سرپناه و با توشه اندک در صحرای عربستان به سر برده بود او را برای این لحظه آماده کرده بود. این باور همیشگی او بود که سرنوشتش با جهاد رقم خورده است. پیتر برگن می‌گوید: «معتقدم که او همواره سعی می‌کند از پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) الگوبرداری کند. حضرت محمد نه تنها یک رهبر بزرگ دینی بود بلکه کسی بود که شخصاً در نبرد علیه کافران حضور می‌یافت.» روزهای اول حضور در صحنه‌های نبرد برای بن لادن وحشتناک بود ولی چندین سال حضور در صحنه جنگ او را سخت و مقاوم کرد و ترس جای خود را به بلندپروازی داد. فرزند جوان، خجالتی و کم‌حرف محمد بن لادن که زمانی چندان تمایلی برای ترک خانه و کاشانه‌اش نداشت اکنون آماده بود تا ارتش مخصوص به خود را در افغانستان فرماندهی کند، ارتشی که درصدد گردآوری همه اعراب بود. عبدالله انس می‌گوید: «اسامه به این فکر افتاد که همه اعراب را جمع کند. هر چه بیشتر بهتر. او می‌خواست همه آنها را متحد کند و در یک جبهه واحد قرار دهد.» اما مربی‌اش عزام قاطعانه با این فکر مخالفت کرد و این سرآغاز شکافی بود که هیچگاه به هم نیامد. حذیفه فرزند عبدالله عزام می‌گوید: «بن لادن رفت و کمپ و جبهه جداگانه برای خود درست کرد و به تدریج در مورد جنگ‌ها نیز خودش تصمیم می‌گرفت. پدرم نمی‌خواست که عرب‌ها مستقلاً بجنگند ولی بن لادن در ۱۹۸۷ اقدام به چنین کاری کرد.» پیتر برگن در مورد انگیزه بن لادن از این کار می‌گوید: «بن لادن تصمیم گرفت ارتشی متشکل از اعراب ایجاد کند زیرا عرب‌های جوانی که بن لادن عضوگیری می‌کرد آماده شهادت بودند و به شدت حاضر بودند که جان خود را به خطر بیفکنند. به کمک چنین افرادی بن لادن تصمیم گرفت که مستقیماً با نیروهای شوروی درگیر شود.» اولین نبرد آزمایشی آنها نبرد جاجی در نزدیکی کوه‌های تورابورا در بهار سال ۱۹۸۹ بود. حذیفه عزام در کنار بن لادن جنگید و بن لادن در این منطقه مرتفع و کوهستانی از کاهش فشار خون رنج می‌برد. حذیفه می‌گوید: «نبرد بسیار سختی بود. او در حالی در جنگ شرکت کرد که بیمار بود. پدرم به او گفت که از شرکت در نبرد خودداری کند ولی او نپذیرفت و بیش از چهار روز در صحنه جنگ حضور داشت.» روس‌ها عقب نشستند و این اولین پیروزی برای لشکر عرب بن لادن بود. پیتر برگن نتیجه این نبرد را از نظر روانشناختی بسیار موثر می‌داند. او می‌گوید: «این پیروزی یک پیروزی خیلی برجسته در جنگ افغانستان نبود ولی از نظر روانشناختی این آغاز شکل گیری شخصیت اسطوره‌ای بن لادن بود. زیرا یک گروه عرب توانسته بودند نیروهای شوروی را به عقب‌نشینی وادار کنند و این تاثیر تبلیغاتی زیادی در خاورمیانه داشت.» او که زمانی کم‌حرف و در صحنه نبرد وحشت‌زده بود اکنون به عنوان یک رهبر نترس مورد تحسین قرار گرفت و به یک قهرمان خط مقدم جهاد تبدیل شد. بن لادن جمال قاشقچی روزنامه‌نگار را به افغانستان دعوت کرد و این سرآغاز استراتژی رسانه‌ای او برای جلب توجه به خود و پیامش بود و به زودی در این امر مهارت کامل یافت. قاشقچی عکس‌های نادر و دست اول از بن لادن گرفت. قاشقچی می‌گوید جاجی نقطه‌ای بود که بن لادن در آن به رهبر مجاهدین عرب تبدیل شد. فرصت بزرگی که جنگ در افغانستان در اختیار بن لادن قرار داد از زبان خود او نیز بیان شده است: «من از جهاد در افغانستان بهره زیادی برده‌ام و اگر این موقعیت نبود بسیار دشوار بود که در جای دیگری چنین فرصتی به دستم بیفتد.» در سال ۱۹۸۸ روس‌ها خسته و درمانده به تدریج روحیه خود را از دست دادند و شروع به عقب‌نشینی از افغانستان کردند و بن لادن هم که اکنون در جنگ پخته و مقاوم شده بود به پیشاور برگشت. او اکنون یک مجاهد بدون جنگ بود ولی مردی به نام ایمن الظواهری به زودی وضع را عوض کرد. الظواهری یک مصری تندرو بود و «دشمن»ی را که بن لادن در جست‌وجوی آن بود به او هدیه داد.

خلاصه مطلب

اعتماد به نفس فوق‌العاده بن لادن و ثروت هنگفت او به زودی عامل جلب توجه کسانی شد که درصدد بهره‌برداری از این ستاره نوظهور بودند. مبارزانی چون ایمن الظواهری که یک پزشک مصری بود و نقشه‌هایی برای جدا کردن بن لادن از ثروت و دارایی‌اش و مربی‌اش عبدالله عزام داشت. حذیفه فرزند عزام می‌گوید: «مصری‌ها به او گفتند که اگر با ما باشی ما می‌توانیم به رهبری تو سازمان مخصوص خودمان را تشکیل دهیم و تو امیر و رهبر این سازمان خواهی بود.»

■ تولد القاعده (۱۹۹۰-۱۹۸۸)

پس از نبرد جاجی لبخند بر لبان جنگجویان عرب نقش بست. آنها به خوبی مقاومت کرده و حمله نیروهای ملحد و خدانشناس شوروی را دفع کرده بودند. در سال ۱۹۸۸ اسامه بن لادن به یک قهرمان تبدیل شد و تصاویر او در صحنه‌های نبرد در مجله جهاد که توسط خود بن لادن و مربی‌اش عبدالله عزام منتشر می‌شد به چاپ رسید. نبرد جاجی بن لادن را معروف کرد و او از بهره‌برداری از این شهرت تازه خود خوشحال بود. اعتماد به نفس فوق‌العاده بن لادن و ثروت هنگفت او به زودی عامل جلب توجه کسانی شد که درصدد بهره‌برداری از این ستاره نوظهور بودند. مبارزانی چون ایمن الظواهری که یک پزشک مصری بود و نقشه‌هایی برای جدا کردن بن لادن از ثروت و دارایی‌اش و مربی‌اش عبدالله عزام داشت. حذیفه فرزند عزام می‌گوید: «مصری‌ها به او گفتند که اگر با ما باشی ما می‌توانیم به رهبری تو سازمان مخصوص خودمان را تشکیل دهیم و تو امیر و رهبر این سازمان خواهی بود.» ظواهری که سه سال به خاطر فعالیت‌های جهادی خود در زندان‌های بدنام مصر زندانی شده بود خشمگین از شکنجه‌هایی که در زندان دولت مصر تحمل کرده بود، مصمم شد که رژیم‌های سکولار و غیرمذهبی خاورمیانه را سرنگون کند. او برای به دست آوردن یک قطعه زمین نمی‌جنگید بلکه خواستار یک جهان اسلامی بدون مرز بود. در یکی از صحنه‌ها ظواهری در زندان مصر فریاد می‌زند: «ما مسلمان هستیم، مسلمانانی که ایمان به مذهب داریم.» اما عزام مخالف جنگیدن مسلمان با مسلمان بود و معتقد بود که جهاد فقط برای دفاع از سرزمین‌های مسلمانان در برابر کافران و بی‌دینان است. بن لادن و عزام دو تفسیر متفاوت داشتند که یکی قدیمی و دیگری جدید بود و به این ترتیب بن لادن به یک مسلمان افراطی تبدیل شد. بن لادن که اکنون با یک ایدئولوژی جدید و رادیکال مسلح شده بود، آماده بیرون آمدن از سایه عزام و رهبری ارتش خود به سوی جنگ بعدی بود. این ارتش در پیشاور پاکستان شکل گرفت. در این محیط که محل زندگی بن لادن بود، نشست‌ها برگزار می‌شد و نقشه‌ها کشیده می‌شد و در واقع محل تولد القاعده همین‌جا بود. اسناد و مدارکی از نخستین نشست‌های شکل گیری القاعده وجود دارد که سی‌ان‌ان به آن دست یافته و برای اولین بار آنها را به نمایش گذاشته است. پیتر برگن می‌گوید: «وقتی که القاعده پایه‌گذاری شد هیچ طرح و اندیشه‌ای برای حمله به آمریکا وجود نداشت و این اندیشه بعدها به وجود آمد. برنامه اصلی القاعده آموزش افراد برای جهاد در خارج افغانستان بود.» براساس این اسناد شرایط سختگیرانه‌ای برای پیوستن به القاعده وجود داشت که برخی از آنها شگفت‌انگیز است. به عنوان مثال داوطلبان باید متصف به رفتار پسندیده باشند، باید دارای حسن سابقه و اعتبار باشند و باید سوگند یاد کنند که به حرف مافوق‌های خود گوش می‌دهند و از آنها اطاعت می‌کنند. با طراحی نمودار تشکیلاتی و اجرایی القاعده، بن لادن نشان داد که همانا فرزند خلف پدرش است. پیتر برگن می‌گوید: «بن لادن دارای پیشینه اقتصادی است و پدرش یکی از موفق‌ترین فعالان اقتصادی در خاورمیانه بود. خود بن لادن هم در دانشگاه اقتصاد خوانده بود و بنابراین القاعده را نیز براساس یک الگوی اقتصادی بنا نهاد. او شماری مدیران ارشد تعیین کرده بود و کمیته‌هایی برای امور نظامی، امور مذهبی، امور مالی و امور رسانه‌ای به وجود آورده بود.» القاعده به تبعیت از الگوی شرکت‌های اقتصادی اعضا را وادار به امضای قراردادهای استخدامی می‌کرد. در سیستم کاری القاعده مسائلی چون مزایا و مرخصی و تعطیلات برای سفر به دیار و سر زدن به خانواده در نظر گرفته شده بود به طوری که حتی بلیت‌های رفت و برگشت نیز توسط سازمان تهیه می‌شد. تقاضای مرخصی باید دو ماه و نیم قبل از زمان مورد نظر به مسئولان مافوق ارائه می‌شد. عضوگیری‌ها به زودی به آزمایش گذاشته شد. در فوریه ۱۹۸۹ نیروهای شوروی در آخرین مراحل عقب‌نشینی خود از افغانستان یک رژیم دست‌نشانده کمونیست در افغانستان باقی گذاشتند. از نظر بن لادن و القاعده هنوز پیروزی در افغانستان کامل نشده بود. آنها به جنگ علیه کمونیست‌های افغان در جلال‌آباد در نزدیکی مرز پاکستان پیوستند. ادوارد جیادی یک خبرنگار انگلیسی است که نخستین‌بار در ۱۹۸۹ در ولایت کنر در افغانستان با بن لادن دیدار کرده است. او نبرد جلال‌آباد را پوشش خبری می‌داد. او به یاد می‌آورد که یک بار فرصت آن را یافت که در صحنه نبرد با بن لادن مواجه شود. جیادی می‌گوید: «ما به خط مقدم رسیدیم و ناگهان یک عرب بلندقد نزدیک آمد و به من گفت: شما اینجا چه می‌کنید. اینجا صحنه جهاد است و شما حق ندارید به اینجا بیایید و باید بروید.» جیادی پیش از این نه اسم بن لادن را شنیده بود و نه چیزی درباره او می‌دانست ولی در این ملاقات اتفاقی این جنگجوی مرموز عرب ۴۵ دقیقه به انگلیسی صحبت کرد و موضوع صحبت او مذهب بود. جیادی می‌گوید: «وقتی صحبت من با او تمام شد دستم را برای خداحافظی به سویش دراز کردم اما او از دست دادن خودداری کرد و وقتی از او جدا شدم گفت: اگر بار دیگر بیینمت تو را خواهم کشت.» در صحنه نبرد جلال‌آباد بن لادن شکست سختی خورد و سربازان بسیاری را نیز از دست داد و به دنبال آن اعتبار و محبوبیت بن لادن در میان برخی از نیروهایش مانند اسامه رشدی از مصر کاهش یافت. او می‌گوید: «بسیاری از افراد بن لادن او را به باد انتقاد گرفتند زیرا او در جنگ جلال‌آباد مبارزان عرب را به روشی بسیار غیرمنظم و بدون تدبیر رهبری کرد و در نتیجه بیش از ۳۰۰ تن از نیروها کشته شدند.» اندکی پس از این نبرد بن لادن به وطنش عربستان سعودی برگشت. شاهزاده ترکی الفیصل رئیس سازمان اطلاعات سعودی بن لادن را برای اولین بار در ۱۹۸۵ در پاکستان ملاقات کرده است. به گفته او در ۱۹۹۰ بن لادن پیشنهاد کرد که آماده است ارتش خود را برای بیرون راندن کمونیست‌ها از یمن به کار گیرد ولی سعودی‌ها او را جدی نگرفتند. ترکی الفیصل درباره واکنش خود به پیشنهاد بن لادن می‌گوید: «به او گفتم که زمان برای این کار مناسب نیست و در این شرایط درگیری نظامی در جنوب یمن فکر خوبی نیست.» مدتی بعد در همان سال وقتی که صدام حسین به کویت حمله کرد بن لادن بار دیگر پیشنهاد کرد که حاضر است سربازانش را در اختیار سعودی‌ها قرار دهد و فیصل می‌گوید که بار دیگر مقامات سعودی این کار را صلاح ندانستند. سعودی‌ها به جای این کار برای جلب کمک به غرب روی آوردند. آمریکایی‌ها رهبری یک ائتلاف بین‌المللی با صدها هزار سرباز آمریکایی را در سرزمینی که دو حرم شریف مکه و مدینه را در خود داشت به عهده گرفتند. از نظر بن لادن این کار توهین به مقدسات بود و به همین دلیل به تدریج صدای اعتراض خود را بلند کرد. وقتی سعودی‌ها کوشیدند صدای بن لادن را خاموش کنند از عربستان فرار کرد. او دیگر تبدیل به فردی شده بود که هیچ کشوری ندارد، فردی که تحت تعقیب است. بنابراین او به سرعت در راهی بی‌برگشت قدم گذاشت که نقطه عطف آن یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

■ بر لبه پرتگاه (۱۹۹۶-۱۹۹۱)

در آن سوی عربستان و دریای سرخ، کشور سودان قرار دارد که زمانی پایتختش خارطوم یکی از چهارراه‌های باستانی آفریقا به شمار می‌رفت. در اینجا و در اوایل دهه ۱۹۹۰ بود که یک حکومت اسلامی تندرو و مصمم به ایجاد یک دولت اسلامی خالص دروازه کشور را به روی بن لادن و القاعده باز کرد. پیتر برگن می‌گوید: «در سال‌های ۹۱ و ۹۲ بن لادن آواره شده بود و کشوری نبود که او را پناه بدهد. سپس او تصمیم می‌گیرد عازم سودان شود زیرا دیدگاه‌های حکومت این کشور به دیدگاه‌های او نزدیک بود و او فکر می‌کرد که می‌تواند در آنجا نوعی آرمان‌شهر اسلامی بسازد.» او از خانه جدید خود در خارطوم در پی تحقق آرمان‌شهر اسلامی خود برآمد. در اینجا او به سرعت طیف وسیعی از مشاغل را راه انداخت. در ظاهر چهره بن لادن نشانه‌ای از شخصیت یک تروریست بین‌المللی به چشم نمی‌خورد بلکه او می‌خواست در قیافه یک مرد کار ظاهر شود و در واقع هم او یک مرد کار بود. اسکات مکلاود رئیس دفتر مجله تایم در قاهره در سال ۱۹۹۶ در سودان با بن لادن دیدار داشته است. او می‌گوید: «او را بسیار ساکت و آرام یافتم تقریباً مثل یک ربانی و قدیس.» با وجود اینکه او مجبور شده بود به خاطر انتقاد از حکومت عربستان و نیروهای آمریکایی حاضر در این کشور از آنجا فرار کند ولی در اوایل دهه ۹۰ کمتر کسی در میان پلیس آمریکا بن لادن را می‌شناخت. دان کولمن مامور سابق اف‌بی‌آی می‌گوید: «در آن زمان کمتر کسی توجهش به او جلب شد به خصوص در میان اف‌بی‌آی.» اما قرار بود این وضع تغییر پیدا کند. در ساعت ۱۲:۱۸ عصر ۲۶ فوریه ۱۹۹۳ مرکز تجارت جهانی و نماد قدرت اقتصادی آمریکا با بمبی قوی که در یک کامیون کار گذاشته شده بود مورد حمله قرار گرفت. مردم آمریکا که تصاویر وضعیت آشفته در اطراف برج‌های دوقلو را به طور زنده تماشا می‌کردند دچار شوک و وحشت شدند. سال‌ها بود که آمریکایی‌ها هر از گاهی تصاویر خبری تلفات و خرابی‌های ناشی از عملیات تروریستی در خارج از کشور را پس از وقوع حادثه از طریق تلویزیون‌ها مشاهده می‌کردند. اما این بار وضع متفاوت بود زیرا حمله در داخل خاک آمریکا صورت گرفته بود.

ادامه در صفحه ۸

خبرها

نشست شورای امنیت با مقامات عرب

مهر: شورای امنیت در پی شکست تلاش‌های بین‌المللی برای پیشبرد روند صلح خاورمیانه روز گذشته با برگزاری نشست مشترکی با مسئولان بلندپایه جهان عرب برای بررسی نحوه فعال کردن این روند موافقت کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز شورای امنیت سازمان به شکل اولیه با دعوت از مسئولان بلندپایه جهان عرب برای حضور در نیویورک به منظور بررسی راه‌های فعال کردن روند صلح خاورمیانه موافقت کرد. در پاسخ به درخواست اتحادیه عرب متشکل از ۲۲ عضو، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز گذشته اعلام کردند: احتمالاً نشست مشترک این شورا با مسئولان بلندپایه جهان عرب ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) برگزار می‌شود. وزرای امور خارجه اتحادیه عرب ماه گذشته در خلال نشست خود در قاهره تصمیم گرفتند به شورای امنیت بروند. این تصمیم بعد از آن اتخاذ شد که تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به مناقشه اعراب و اسرائیل با شکست روبه‌رو شد و نیاز به روش جدید در این زمینه را نمایان کرد. اتحادیه عرب همچنین ابراز علاقه‌مندی کرد تا شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئولیت نظارت بر مذاکرات و هم‌چنین تعیین زمان انجام این مذاکرات را نیز برعهده بگیرد.

آغاز تحقیق درباره حملات صدام به کویت

مهر: دادگاه عالی جنایی عراق انجام تحقیقات درباره جنایاتی که طی یورش ارتش رژیم سابق عراق به سرکردگی صدام به کویت طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ صورت گرفت، بنا به درخواست مقام‌های کویتی آغاز کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه یک مسئول آمریکایی نزدیک به دادگاه عالی جنایی عراق که در حال حاضر صدام و هفت تن از همدستانش را در پرونده جنایت دجیل (دهه هشتاد) محاکمه می‌کند، اعلام کرد: کویت رسماً دادخواستی را به دادگاه تقدیم کرده است. این مسئول که خواست نامش فاش نشود، افزود: کویت صدام را به اشغال غیرقانونی این کشور و کشتار و شکنجه مردم و تخریب زیرساخت‌های آن به ویژه تاسیسات نفتی متهم کرده است. این مسئول آمریکایی اظهار داشت: دادگاه عالی جنایی عراق در حال حاضر درباره تجاوز به کویت و اشغال آن و جنایاتی که ارتش رژیم سابق عراق در این کشور مرتکب شد، تحقیق می‌کند. به گفته وی، بنا به اظهارات مقام‌های کویتی، صدها تن از شهروندان این کشور به اسارت رژیم سابق درآمدند و دیگر از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست که احتمال اعدام آنها وجود دارد. کویت همچنین نیروهای ارتش بعثی سابق را به شکنجه حدود ۶ هزار کویتی در جریان اشغال این کشور که هفت ماه طول کشید، متهم کرده است.